

## تأثیر زمینه‌های اقتصاد دریایی خلیج فارس در پیدایش قیام زنگیان (۲۴۹ تا ۲۵۵ هجری)

بهادر شهریاری، دانشجوی دکتری گروه تاریخ دانشگاه شیراز  
سید ابوالقاسم فروزانی، استاد گروه تاریخ دانشگاه شیراز (نویسنده مسئول)\*

### چکیده

در این مقاله ارتباط تحولات اقتصاد دریایی خلیج فارس در شکل‌گیری قیام زنگیان بر مبنای دو محور در نظر گرفته شده است؛ یکی تأثیر آن بر پیدایش زمینه‌های قیام و دوم نقش فعالین این حوزه در برپایی قیام می‌باشد. در محور نخست، با توجه به رونق اقتصاد دریایی خلیج فارس، به روابط دائمی میان کرانه‌ها و پس‌کرانه‌ها اشاره شده که نواحی ساحلی و داخلی را بیش‌ازپیش وابسته و در ارتباط با یکدیگر قرار داده بود، به‌اندازه‌ای که هرگونه تحول مثبت و یا منفی آثار مشابهی نیز بر دیگری داشت. میان بصره (کرانه) و بغداد (پس‌کرانه) نیز چنین روابطی پدید آمده بود. بحران‌ها و ناآرامی‌های متداوم سیاسی و نظامی بغداد و سامرا در نیمه نخست قرن سوم، آثار سوئی بر حیات تجاری بصره داشته و باعث رکود آنجا شده بود. در این شرایط واکنش فعالین بازرگانی بصره و خلیج فارس جهت بهبود و احیاء رونق تجاری پیشین، در قیام زنگیان متجلی گردید. در محور دوم؛ در سیر تاریخی قیام، قرائنی وجود دارد که نقش تجار و انگیزه‌های بازرگانی قیام را نشان می‌دهد. در این مقاله به برخی از این موارد تا زمان اعلان رسمی قیام (۲۵۵) اشاره شده است.

**واژگان کلیدی:** اقتصاد دریایی، زنگیان، بصره، بغداد، تجار.

تاریخ پذیرش: ۹۷/۱۰/۲۴

تاریخ دریافت: ۹۶/۰۴/۰۶

\*E-mail: foroozani\_s\_a@yahoo.com

### مقدمه

قیام موسوم به زنگیان یکی از رویدادهای مهم تاریخی اسلام که در نیمه‌ی دوم قرن سوم هجری به وقوع پیوست و نزدیک به ۱۵ سال (۲۵۵ تا ۲۷۰ هجری) تداوم داشت. این حرکت توسط شخص بانام علی بن محمد و با لقب صاحب‌الزنج رهبری می‌شد. در رابطه با ماهیت و اهداف این حرکت تاکنون دیدگاه‌هایی بیان شده که متداول‌ترین آن‌ها این است که حرکت مزبور را نهضت بردگان زنگی علیه ظلم و ستم و در جهت تحقق عدالت اجتماعی و اقتصادی دانسته‌اند. تحقیقات جدید نیز عمدتاً از این منظر به قیام توجه داشته‌اند. از نخستین افرادی که این دیدگاه را مطرح ساخته تئودور نولدکه مستشرق آلمانی بود که با طرح نظریه‌ای کلی آن را نهضت بردگان ارزیابی کرده است، بیشتر محققین بعدی نیز متأثر از دیدگاه وی به این قیام توجه داشته‌اند. طرح این نظریه از طرف نولدکه، بیش از آنکه منطبق با واقعیات تاریخی قرن سوم سرزمین‌های اسلامی باشد متأثر از نگرش‌های رایج غربی در قرون جدید میلادی در باب حرکت تاریخ و نظریاتی که در این رابطه مطرح شده بود و سعی شده سیر تاریخ ایران و اسلام نیز بر اساس همان مراحل بیان شود. بر این دیدگاه نقدهای جدی وارد است که در این مقاله قصد نقد و بررسی آن را نداریم بلکه در نظر داریم این حرکت را از جنبه‌ای دیگر مورد بررسی قرار دهیم.

آغاز حرکت زنگیان در حوزه سواحل خلیج فارس بوده و تمامی مراحل پیدایش، شکل‌گیری، توسعه و درنهایت سقوط آن نیز در سواحل آن دریا صورت گرفته بود. بیشتر حامیان و هواداران قیام از ساحل‌نشینان بوده و مرکز قیام نیز در بصره از بندرها تجاری خلیج فارس، قرار داشت. همچنین منطقه‌ای که قیام در آن شکل گرفته و توسعه یافته بود- بحرین، بصره، اُبله و اهواز- کارکرد غالب آن بازرگانی و تجارت دریایی بوده، حیات و معیشت ساکنین سواحل آن از قدیم‌الایام در ارتباط با اقتصاد دریایی خلیج فارس قرار داشته و تجار از پرنفوذترین گروه‌ها در این مناطق بودند. این قیام به لحاظ زمانی نیز در مقطعی به وقوع پیوسته بود که اقتصاد دریایی خلیج فارس دوران پررونقی را پشت سر گذاشته و بصره کانون اصلی تجارت دریایی در آن زمان به حساب می‌آمد. با توجه به رونق اقتصاد دریایی خلیج فارس که حوزه وسیعی از کرانه‌ها و پس‌کرانه‌ها را شامل می‌شد و باعث شده بود تا این مناطق در ارتباط و پیوستگی نزدیکی تجاری و معیشتی با یکدیگر باشند با مجموعه تحولات سیاسی که در پس‌کرانه‌ها به وقوع پیوست و اثرات منفی و زیانباری در روند تجارت دریایی ایجاد کرد واکنش کرانه‌نشینان و فعالین تجاری این حوزه را به دنبال داشت که بازتاب آن در قیام موسوم به زنگیان

رخ نمود. آنچه در این مقاله فرض گرفته شده اینکه پیدایش زمینه‌های قیام زنگیان مرتبط با تحولات اقتصاد دریایی خلیج فارس بوده و در جریان برپایی و شروع قیام نیز فعالین تجاری این حوزه به صورت مستقیم و غیرمستقیم نقش داشتند. برای تبیین و نشان دادن این موضوع در قالب دو محور به آن می‌پردازیم. یکی تحولات سیاسی و تجاری که در حوزه اقتصاد دریایی و مناطق مرتبط با آن به وقوع پیوست و زمینه را برای شروع قیام زنگیان فراهم آورد و دوم، نقش حمایتی و پشتیبانی تجار در شروع قیام زنگیان می‌باشد قرائن و مولفه‌هایی که به صورت مستقیم و غیرمستقیم اشاره به این موضوع دارند.

### محور نخست: تأثیر اقتصاد دریایی خلیج فارس در پیدایش زمینه‌ی قیام

خلیج فارس به جهت قابلیت‌های بالای اقتصادی و ارتباطی که داشت اقتصاد دریایی آن مبتنی بر دادوستد گسترده بازرگانی و روابط تجاری کرانه‌ها و پس‌کرانه‌ها با یکدیگر و نواحی فراتر از آن پدید آمد که در محدوده وسیعی از شرق دور و شرق آفریقا تا غرب و حوزه مدیترانه جریان داشت. با آغاز دوران اسلامی به جهت تحولات سیاسی، اقتصادی و جغرافیایی که رخ داده بود رونق بیشتری پیدا کرده و باعث شده بود تا بندرها ساحلی و شهرهای پس‌کرانه‌ای بیش‌ازپیش در ارتباط با یکدیگر قرار گیرند. در ادامه به روابط تجاری و اقتصادی گسترده بصره (کرانه) و بغداد (پس‌کرانه) که بر همین اساس پدید آمده بود اشاره نماییم. رابطه تجاری این دو منطقه و تأثیراتی که به همراه داشت زمینه‌های پیدایش قیام زنگیان را فراهم آورده بود.

در سیر اقتصاد دریایی خلیج فارس تأسیس خلافت عباسی و انتقال مرکز خلافت به بغداد در گسترش تجارت در قلمرو اسلامی، خصوصاً بازرگانی دریایی خلیج فارس بسیار مهمی بوده (مناظر احسن، ۱۳۸۳: ۲۲) و باعث گردید روند روبه رشد موقعیت تجاری آن دریا، شتاب بیشتری پیدا کند. ایجاد شهر بزرگ بغداد از مهم‌ترین عواملی بود که در جهش موقعیت بازرگانی بصره و خلیج فارس نقش مؤثر داشت (۱). اینکه شرایط جدید به چه طریق تأثیرات مثبتی بر تقویت جایگاه اقتصاد دریایی خلیج فارس گذاشت لازم است در این رابطه به توضیح مختصری بپردازیم.

تأسیس و توسعه بغداد دوران نوینی را برای اقتصاد دریایی خلیج فارس رقم زد (ناظمیان فرد، حاتم‌الابراهیمی، ۱۳۹۴: ۱۴۶) و باعث گسترده‌تر شدن دامنه‌ی آن به سمت غرب گردید که تا مدیترانه ادامه داشت (miles.1966:371-372). ابن‌خردادبه، ۱۳۷۰: ۱۳۰-۱۲۹). تا پیش‌ازاین روابط عمدتاً در سمت شرق توسعه یافته بود. انتخاب بغداد باعث شد تا شاخه غربی مرتبط با اقتصاد دریایی خلیج فارس

نیز توسعه و تقویت یابد روابط بازرگانی با سوریه و غرب به مقام دیرین خود بازگردد و مسیرهای تجاری میان مدیترانه و شهرهای غرب بغداد فعال شوند (Goody, 2004: 21-20). Heidemann, 2006: 37. این امر به خاطر موقعیت پایتخت جدید بود که در مسیر ارتباطی عراق، سوریه و ایران قرارگرفته (لاپیدوس، ۱۳۷۶: ۱۱۸) و به لحاظ ارتباط آبی نیز امکانات بهتری برای فعالیت‌های کشتیرانی فراهم آورده بود (ابن‌رسته، ۱۳۶۵: ۱۲۵-۱۲۶). بغداد از یک‌طرف به خلیج فارس و از طرف دیگر از طریق دجله و فرات به حوزه بین‌النهرین شمالی و شام مرتبط می‌شد و کاروان‌هایی را از تمامی این مناطق پذیرا بود (Morony, 1982: 17-18. Heidemann, 2006: 37-38). به همین خاطر به تدریج به محل نقل و انتقال مبادلات تجاری امپراتوری و محل تلاقی راه‌های کاروان‌رو تبدیل شده بود (Philby, 1933: 73-78). از دلایل اصلی انتخاب محل بغداد به خاطر نزدیکی به دریا، وجود امکان ارتباط تجاری با خلیج فارس و تأمین نیازهای موردنیاز از طریق فعالیت‌های بازرگانی (۲) بوده است (Strange, 1900: 4-5). بغداد با توجه به زمین‌ها و ظرفیت‌های مطلوب ارتباطی و اقتصادی که داشت خیلی سریع توسعه یافت و یکی از مهم‌ترین مراکز بازرگانی شرق میانه با مناطق مختلف جهان گردید (Miles, 1966: 371. Philby, 1933: 73-78). اوج شکوه بغداد در اواخر قرن دوم بود که به جهت رونق و عظمتش به "شهر صلح و صفا، هدیه خداوند و بهشت روی زمین" شناخته می‌شد (Audisio, 1931: 60).

آنچه در این مبحث موردتوجه است اینکه پیدایی و توسعه‌ی بغداد به‌مثابه مرکز مهم بازرگانی و تجاری، تأثیر مثبتی بر رشد بصره گذاشته و باعث گردید تا موقعیت بازرگانی و تجاری آنجا به‌طور روزافزونی توسعه یابد. رونق بغداد به مقدار زیادی منوط به فعال بودن بندر بازرگانی خلیج فارس یعنی بصره بود زیرا بصره دروازه ورودی کالا و محصولات به بغداد محسوب می‌شد. توسعه بغداد و نیازهای متنوعی که به خاطر صنعت، جمعیت و ثروتی که در آن شهر متمرکز شده بود بخش زیادی از این نیازمندی‌ها از طریق بصره و خلیج فارس تأمین می‌گردید. در منابع متعدد به کشتی‌های کوچک و بزرگی اشاره شده که حامل کالا بوده و بدون مشکل و موانع خاصی میان بصره و بغداد رفت‌وآمد داشتند (ابن رسته، همان: ۲۱۵-۲۱۷. لسترنج، ۱۳۹۰: ۲۸. Philby, 1933: 78-79 - 73-74).

در روابط تجاری بصره با بغداد از یک‌طرف شهر پرجمعیت بغداد با نیازهای مختلف و متنوع، بازار خوبی برای تجار بصره بود تا به عرضه و فروش کالاهای ضروری و تجملی خود در آنجا اقدام نمایند (مسعودی، ۱۳۴۷: ج ۲ / ۴۰۷-۴۰۸) به همین دلیل همیشه تعداد زیادی از بازرگانان بصره در بغداد

مشغول تجارت بودند (یعقوبی، ۱۳۵۶: ۶)، از طرف دیگر بغداد به لحاظ ارتباطی، نقطه مناسبی بود که بازرگانان و کاروان‌های تجاری بصره می‌توانستند از آنجا با مناطق غربی و شمالی عراق و شام رابطه داشته باشند (Heidemann, 2006: 37). ابن‌خلدون، ۱۳۶۳: ج ۲ / ۳۰۶). کشتی‌های تجاری که از شرق می‌آمدند بصره بارانداز آنان بود، کشتی‌های یادشده کالاهای خود را به طرف بغداد حمل می‌نمودند و از آنجا نیز بخشی از آن به سمت غرب و شمال انتقال داده می‌شد. عکس این نیز جریان داشت بغداد بارانداز کالاهایی بود که از سمت غرب می‌آمد و از آنجا به بصره و سپس از طریق خلیج فارس به مناطق شرقی انتقال داده می‌شد. در بغداد به لنگرگاه‌هایی اشاره شده که کشتی‌های تجاری موصول و بصره در آنجا برای حمل و جابجایی کالا توقف داشتند (حموی بغدادی، همان، ج ۱ / ۳۹۲: Philby, 1933: 78-80).

رشد و توسعه کمی و کیفی بغداد و ضرورت روابطی که در جهت تأمین نیازهای متنوعش با خلیج فارس برقرار کرده بود این شهر را هر چه بیشتر با بندر بصره پیوند داد، هرگونه مناسبات تجاری بغداد با خلیج فارس الزاماً می‌بایست از طریق بندر بصره صورت می‌گرفت (ابن‌خردادبه، ۱۳۷۰: ۱۳۰-۱۲۹) همین امر باعث گردید تا بصره رشد سریع‌تری داشته و در اوایل قرن سوم هجری به "شهری تجاری" معروف شود (Naji and Ali, 1981: 301). از این زمان به بعد بصره و بغداد با یکدیگر رابطه‌ی نزدیکی برقرار کرده (ابن‌خردادبه، همان: ۴۴)، هر دو به‌عنوان شهر و مراکز مهم تجاری مشهور شده (Philby, 1933: 78-73) در پیوند تنگاتنگ تجاری با یکدیگر قرار گرفتند. از نیمه‌های قرن دوم هجری به بعد خط تجاری "بغداد-بصره-خلیج فارس"، از یک طرف به شرق دور و آفریقا و از سمت دیگر به مدیترانه منتهی می‌شد. تاجر سیرافی به این مسئله اشاره دارد که با تأسیس بغداد و رونق گرفتن بصره، فعالیت‌های بازرگانی مسلمانان در خلیج فارس توسعه یافته بود (سیرافی، ۱۳۸۱: ۲۵). منابع به صورت مشخص و فراوان به روابط تجاری بصره و بغداد اشاره داشته‌اند که حمل و انتقال کالاها از بصره به بغداد و بلعکس (۳) از این طریق صورت می‌گرفت (یعقوبی، ۱۳۵۶: ۳۶-۳۷-۳۸).

بنابراین به دنبال شرایطی که بارونق اقتصاد دریایی خلیج فارس رقم خورده و باعث شده بود تا نواحی کرانه‌ای و پس‌کرانه‌ای روابط گسترده‌تری با یکدیگر داشته باشند نمونه روشن این مهم در روابط بصره و بغداد و سامرا متجلی گردید که روابط دائمی تجاری برقرار شده و وابستگی گسترده‌ای به یکدیگر پیدا کرده بودند. تحولات جاری در هر کدام از این دو منطقه بر دیگری تأثیر شدید مثبت یا منفی داشت، بر همین اساس زمانی که بغداد دوران اوج خود را می‌گذراند و شهر هزارویک‌شب و بهشت روی

زمین به حساب می‌آمد بصره نیز یکی از پررونق‌ترین دوره‌های بازرگانی‌اش را طی می‌کرد و کانون اصلی فعالیت‌های تجاری خلیج فارس به حساب می‌آمد. بازرگان و صحنه‌گردانان اصلی این اوضاع، تاجر بودند که به‌طور مستقیم و غیرمستقیم با نواحی بندری شرق و غرب رابطه داشتند. درحالی‌که چنین شرایط پررونقی جریان داشت و همه‌چیز بر وفق میل و مراد بازرگانان بود به لحاظ سیاسی و نظامی تحولات رخ داد که به‌طور کامل شرایط موجود را تحت‌الشعاع قرار داده خصوصاً بندر بصره و به دنبال آن جریان اقتصاد دریایی خلیج فارس را با شرایط جدیدی مواجه ساخت.

دستگاه خلافت عباسی و پایتخت آن، که در دوره موردنظر میان دو شهر بغداد و سامر متغیر بود، به لحاظ سیاسی و نظامی به وضع بسیار آشفته و نابسامانی گرفتار شده و روزبه‌روز بر وخامت و پیچیدگی اوضاع سیاسی و اقتصادی آن افزوده می‌شد به‌گونه‌ای که یکی از بدترین و پرتنش‌ترین دوره‌های بغداد به حساب می‌آمد (WAINES, 1977: 282). به لحاظ مالی و اقتصادی نیز به تعبیر علی وضع درمانده‌ای پیدا کرده بود (علبی، ۱۳۵۹: ۸۲). فساد، ظلم و ناامنی روز به روز عمق و دامنه بیشتری پیدا می‌کرد. گروه‌ها و فعالین تجاری که در حوزه اقتصاد دریایی خلیج فارس کار می‌کردند به اقتضای جغرافیای اقتصادی کاری‌شان، حیات و منافع تجاری آنان علاوه بر سطح دریاها، با دیگر مناطق خشکی و داخلی نیز پیوند یافته بود. شرایط بهم‌ریخته سیاسی موجود، باعث از میان رفتن ثبات و امنیت مورد نیازشان شده بود.

در درگیری‌های دامنه‌دار در مکر خلافت و نواحی اطراف آن، بسیاری از زیر ساخت‌ها و امکانات مرتبط با فعالیت‌های تجاری - پل‌ها، بازارها، اسکله‌ها، کشتی و ... - از میان رفته بود، به بازارها، میادین و معابر عمومی، پل‌ها و ... در جریان درگیری‌ها خسارت وارد شده بود. ذکر شده است در سال ۲۴۹ هجری در اعتراض گروه‌های مختلف مردمی و نظامی به دخالت‌ها و عملکردهای زورگویانه ترکان و تنشی که میان آنان رخ داد پل‌های زیادی در بغداد تخریب شد و مسیر رفت و آمد کشتی‌ها مختل گردید (طبری، ج ۱۴ / ۱۲۴، ۶۱۹۲). همچنین در زمان معتز (۲۵۲-۲۵۵ ق) نیز میان فرماندهان ترک تنش‌هایی درگرفت که باعث گردید بسیاری از پل‌ها تخریب، دکان‌ها و بازارها غارت شوند (ابن‌اثیر، ۱۳۷۱: ج ۱۸ / ۳۶-۳۷). گروه‌های مختلف نظامی خصوصاً سپاهیان ترک در بغداد و سامرا، اموال و خزانه بیت‌المال را تهی ساخته و انگل خلافت و دولت شده بودند (علبی، همان: ۸۲).

در بغداد و سامرا خصوصاً از سال ۲۵۰ هجری به بعد مسیرهای آبی آنجا و نهرهای متعددی که در قسمت‌های مختلف این دو شهر کشیده شده بود و از اصلی‌ترین مسیرهای تردد کشتی‌های تجاری به مراکز فروش و بازارها بودند به محیطی نظامی تبدیل شده به جای تردد کشتی‌های بازرگانی حامل کالا

و محصولات تجاری، کشتی‌هایی پر از نیرو و انواع ابزارهای جنگی رفت و آمد می‌کردند (طبری، ۱۳۷۵: ۱۴ / ۶۱۴۵-۶۱۴۶، ۶۱۸۳-۶۱۸۲-۶۲۱۰-۶۲۱۱-۶۲۲۳). مسیرهای تجاری آبی بیش از آنکه محل آمد و شد کاروان‌های بازرگانی باشد- نظیر دوره‌های قبل- به جهت شدت درگیری‌ها، جنبه نظامی به خود گرفته بود (مسعودی، ۱۳۴۹: ۳۵۰). طرف‌های درگیر با هدف فشار و شکست دادن طرف مقابل در سطح رودها و مسیرهای آبی موانعی ایجاد کرده بودند؛ نظیر اقداماتی که مسرور بلخی بر روی دجله انجام داد تا امکان رفت و آمد گروه‌های رقیبش فراهم نباشد (طبری، ۱۳۷۵: ج ۱۵ / ۶۴۴۹). در جریان درگیری‌های سال ۲۵۱ هجری یکی از فرماندهان ترک کشته شد. این موضوع باعث گردید نظامیان و سرداران ترک هوادار معتز مستقر در سامرا، بغداد را به محاصره درآورند در نتیجه آن بازارها، دکان‌ها و باغ‌های فراوانی را تخریب و ویران کردند (دوری، ۱۳۷۵: ۱۸). سپس به تعدادی از کشتی‌داران مسیر بغداد- سامرا حمله برده و آنان را از رفتن به سمت بغداد بازداشتند (طبری، ۱۳۷۵: ج ۱۴ / ۶۱۴۸). طبری یکی از کشتی‌داران را ذکر کرده که توسط ترکان دستگیر شده دوپست تازیانه به او زدند و بر دکل کشتی‌اش آویختند. با این اقدام دیگر کشتی‌داران از رفتن به سمت بغداد خودداری می‌کردند مگر پنهانی یا در ازای دریافت بهای سنگین حاضر به رفتن به سمت بغداد می‌شدند (همان). یعقوبی ذکر می‌کند با تداوم درگیری‌ها در سال ۲۵۳، مسیرهای ورودی کالا و خواروبار بسته شده و جریان مبادله محصولات تجاری مختل گردیده بود. در بغداد گرانی بیداد می‌کرد نرخ‌های چنان بالا رفته بود که قفیزی صد درهم شده بود، به همین خاطر در بغداد قحطی پدید آمد (یعقوبی، ۱۳۷۱: ج ۲ / ۵۳۱). در همین سال فتنه و آشوب‌ها نیز شدت گرفته بود، کاروان‌های تجاری به راحتی نمی‌توانستند خود را به شهرها برسانند مدت زیادی طول می‌کشید تا کاروانی موفق شود به شهر برسد (همان: ۵۳۴-۵۳۵).

در مبداء، مقصد و مسیرهای مواصلاتی حد فاصل میان شهرها، امنیت مورد نیاز وجود نداشت. راهزنی و ربودن اموال کاروان‌های تجاری بسیار زیاد شده بود (ابن‌اثیر، ۱۳۷۱: ج ۱۸ / ۳۱). اوضاع درون‌شهری و راه‌های میان‌شهری بسیار ناامن (طبری، ج ۱۴، ۵۹۶۷-۵۹۶۸. ج ۱۴، ۶۲۶۱) و محدود کاروانی سالم به شهر می‌رسید بسیاری از کاروان‌ها پیش از رسیدن به شهر تاراج می‌شدند (ابن‌اثیر، ۱۳۷۱: ج ۱۸ / ۱۳). رسیدن به شهر نیز امنیت لازم جهت فروش و تامین سود کاروانیان و تجار را تضمین نمی‌کرد، زیرا در شهر کالاها و اموالشان یا طعمه آتش‌سوزی می‌شد و یا اینکه مورد غارت و چپاول قرار می‌گرفت. کشتی‌های تجاری که از نواحی مختلف کالا و اجناس به بغداد می‌آوردند از دستبرد و غارتگری ترکان در امان نبودند (همان: ۵-۶). علاوه بر نظامیان در برخی موارد مصادره مال و

اموال افراد مختلف توسط خلیفه و یا نزدیکان وی نیز صورت می‌گرفت (یعقوبی، همان: ج ۲ / ۴۹۶-۴۹۷).

در سال ۲۵۵ هجری درگیری‌های زیادی بر سر انتخاب مهتدی در بغداد، کناره‌های رود دجله و بر روی پل‌های آن صورت گرفته بود، در نتیجه آن شمار زیادی از مردم کشته و در دجله غرق شدند (طبری، ۱۳۷۵: ج ۱۵ / ۶۲۸۶) در ادامه درگیری‌های این سال، سرداران نظامی خلافت- نظیر محمدبن اوس و سلیمان بن عبدالله طاهری- نیز علیه یکدیگر به نبرد برخاستند. در جریان این منازعات، طبری اشاره دارد که سرداران دو طرف می‌گفتند " هر که آهنگ غارت دارد به ما بپیوندد" در این درگیری از پل‌ها و زورق‌ها به‌طور مکرر برای حمل نیرو علیه دیگری استفاده می‌شد (همان: ۶۲۹۷) در یکی از مکان‌هایی که نبرد در آن رخ داد نزدیک بازارچه قوطا بود ساکنین آن منطقه نیز ناچاراً درگیر جنگ شدند (همان). بیان شده یکی از خانه‌هایی که مورد حمله قرار گرفت نزدیک "دو هزار هزار درم، یکصد شلوار، و معادل هزار هزار درم فرش طبری خام و مقصور و مدرج و مقطوح از وی غارت شد (همان: ۶۲۹۸).

از سال ۲۴۷ تا ۲۵۶ هجری درگیری و تنش‌ها در مفر خلافت به‌اندازه‌ای شدت گرفت که از این مقطع با عنوان "دوره بحران، هرج و مرج و آنارشی خلافت" (Kennedy, 2013: 169) و عصر "فتن و حوادث" یاد شده است (هندوشاه، ۱۳۵۷: ۱۸۴). مسعودی در بیان وخامت اوضاع سیاسی در سال ۲۵۶ هجری- یعنی زمان برپایی رسمی قیام زنگیان- ذکر می‌کند آشوب و نافرمانی‌ها به حدی گسترش یافته بود که "مُلک به انقراض نزدیک شده بود" (مسعودی، ۱۳۴۹: ۳۵۴). منابع این دوره خصوصاً تاریخ طبری سرشار از روایاتی است که از حمله به بازار و بازاریان، غارت کاروان‌ها و کشتی‌های تجاری، تخریب پل‌ها و مغازه‌ها اشاره دارد (طبری، ۱۳۷۵: ج ۱۴ / ۶۱۴۵ تا ۶۲۴۵).

در این اوضاع از بی‌دفاع‌ترین گروه‌ها، تجار بودند. آنان علی‌رغم تأثیری که در گردش چرخه‌ی اقتصادی و تداوم حیات اجتماعی جامعه داشتند از قدرت و نیروی سیاسی که در این شرایط در جهت حفظ منافع خود از آن استفاده ببرند برخوردار نبودند (مونتگمری، همان: ۳۹). اصلی‌ترین نیاز گروه‌های تجاری برای انجام فعالیت‌هایشان، ثبات، امنیت، آرامش بود فقدان آن و غلبه یافتن فضای جنگی و بحران‌زده بدترین حالت برای فعالین بازرگانی و بهترین حالت را برای گروه‌های سودجو و فرصت‌طلب پدید آورده بود، تجار و گروه‌های مرتبط با آنان از شرایط بوجود آمده به شدت متضرر گردیدند. هرگونه رفت و آمد کاروان‌های تجاری و نقل‌وانتقال کالاهای بازرگانی، با غارت و دستبرد گروه‌های فرصت‌طلب



مواجه شده و حتی گروه‌های بازرگان در معرض خطرات جانی نیز قرار داشتند. بر همین اساس بود که مسعودی ذکر می‌کند مُلک نزدیک به انقراض بود.

حوزه‌های تجاری جنوب که درآمد و مزایای زیادی داشتند و حجم و مقدار فراوان کالا و اجناس در آنجا وجود داشته و مبادله می‌گردید بیشتر مورد طمع قرار گرفته بودند. نزدیکی و پیوند تنگاتنگ بندرها جنوب خصوصاً بصره با بغداد، بیشتر از سایر مناطق آنان را در معرض تطورات سیاسی و نظامی قرار داده و آسیب‌ها و تنش‌های در بغداد را نیز به بصره و نواحی جنوبی منتقل می‌کرد. تداوم کار تجاری و بازرگانی در چنین حوزه‌ای بسیار دشوار و نه تنها سودی در برداشت بلکه زیانبار و خطرآفرین نیز بود. شرایط بوجود آمده به جهت ارتباطی که میان این دو منطقه وجود داشت تأثیر منفی بر جریان اقتصاد دریایی خلیج فارس گذاشت و عملاً جریان تجاری جنوب دچار رکود و افول شده بود.

تجار و بازرگانان و گروه‌های مرتبط با آنان با هدف خارج شدن از این شرایط "در اندیشه مقابله و تغییر وضع" برآمدند. آنان برای مقابله با این اوضاع به دنبال اعمال تغییرات مورد نظر خود بودند از آنجایی که قدرت و نفوذ کافی در نهاد سیاسی برای اجرای تغییرات مورد نظرشان را نداشتند سعی کردند در قالب جنبشی اعتراضی، اسباب تحقق اهدافشان را فراهم آورند. از این رو، زمینه‌های شکل‌گیری یک حرکت را فراهم آوردند تا با انجام آن زمینه‌ی بهبود و احیاء فعالیت‌های تجاری پیشین مهیا شود. لذا بر این اساس بود که قیام زنگیان با نقش‌آفرینی تجار در سواحل خلیج فارس پدید آمد. همانگونه که بیان گردید مبنای این تحولات مرتبط با زمینه‌های اقتصاد دریایی خلیج فارس بوده که با رویدادهایی که بوقوع پیوست اسباب پیدایش این قیام فراهم گردید.

### محور دوم: نقش فعالین تجاری خلیج فارس در برپایی قیام

علاوه بر تاثیرگذاری تحولات اقتصاد دریایی خلیج فارس در ایجاد زمینه‌های قیام زنگیان، که در محور قبلی بدان اشاره شد، فعالین این حوزه عملاً در برپایی و شروع آن نیز نقش داشتند. آنان در راستای هدفشان سعی کردند به طرق مختلف در راه‌انداختن این حرکت نقش ایفا کنند. قرائن و مولفه‌هایی وجود دارد که از طریق آنها می‌توان به نقش حمایتی تجار و انگیزه‌های بازرگانی قیام پی برد. برای نشان دادن این موضوع به چند مورد از قرائنی که از زمان شروع تا اعلان رسمی قیام، ابعاد تجار آن را مشخص می‌سازد اشاره خواهیم داشت.

۱) اولین مورد به حضور علی بن محمد در بحرین مربوط می‌شود، وی در سال ۲۴۹ هجری از سامرا وارد بحرین گردید (Waines, 1977: 301). فعالیت و اقدامات علی بن محمد در بحرین در دو منطقه جغرافیایی؛ یکی در مناطق ساحل‌نشین و دیگری در نواحی بیابانی و در میان صحرانشینان بحرین انجام پذیرفت (احمد علی، ۲۰۰۵ م: ۵۸-۶۲). هجر اولین نقطه‌ی ساحلی بود که قیام از آنجا آغاز گردید (ابن‌اثیر، ۱۳۸۵ ق، ج ۷: ۲۰۶). بنابر آنچه در متون تاریخی آمده در آنجا "گروه انبوهی از مردم" از حرکت صورت گرفته حمایت و پیروی کردند (طبری، ۱۳۸۷ ق: ج ۹/ ۴۱۰). بعد از مدتی رهبران قیام وارد نقطه ساحلی دیگری از بحرین به نام احساء شدند (ابن‌مسکویه، ۱۳۷۹، ج ۴/ ۳۹۷) و در میان طایفه بنی‌تمیم سکونت گرفته و در آنجا نیز هواداران زیادی پیدا کردند (طبری، ۱۳۸۷: ۹/ ۴۱۰-۴۱۱). لازم به ذکر است هجر و احساء مرکز بازرگانی بحرین و تجارتگاه آنجا بودند (مقدسی، ۱۳۶۱: ج ۱/ ۱۳۳).

مرحله بعدی حرکت رهبران قیام، رفتن به مناطق بیابانی و حضور در میان قبایل و طوایف صحرانشین بحرین بود که در آنجا علی‌رغم آنکه هوادارانی پیدا کردند ولی چندان مورد حمایت واقع نشدند. سرانجام بعد از مدتی حضور در آن منطقه تصمیم گرفته شد به نقطه‌ای دیگر خارج از بحرین بروند، علی بن محمد به همراه گروه اصلی و بخش دیگری از هوادارانش عازم بصره شدند (ابن‌کنیر، ۱۴۰۷: ۱۱-۱۸-۱۹). در رابطه با حضور علی بن محمد در بحرین، نخستین سوال و ابهامی که مطرح است اینکه علت و انگیزه وی از آمدن به بحرین چه بوده است؟ مهم‌تر از آن پرسش‌های دیگری مطرح است اینکه آیا علی بن محمد "با اندیشه قیام کردن" به بحرین آمد، یا اینکه "در بحرین به اندیشه قیام" افتاد و یا در بحرین به "رهبری جریانی برای قیام" نائل گردید.

در رابطه با علت حضور وی در بحرین و آماده‌سازی زمینه‌های شروع قیام، منابع و متون تاریخی مطلب صریحی که نشان‌دهنده علت آن باشد بیان نکرده‌اند. برای پرداختن به این سوال، اشاره به دو موضوع کمک خواهد کرد تا به پاسخ این پرسش نزدیک‌تر شویم؛ یکی گروه‌ها و افرادی که حرکت در میان آنان در بحرین شکل گرفته و مورد حمایت کامل آنان واقع گردید، دیگری سوابق و پیشینه سیاسی علی بن محمد می‌باشد.

در مورد نخست آن که اولین نقطه‌ای که علی بن محمد در آنجا ساکن شد میان "ساحل‌نشینان بحرین" بود از آنجا حرکت شروع شده و به سایر مناطق گسترش یافت. نخستین گروه چند نفری نیز که ذکر شده همراه و هودار وی بودند شماری از "تجار و بازرگانان بحرینی" بودند (طبری، ۱۳۸۷: ۹/ ۴۱۱). از آن زمان به بعد آن گروه، به عنوان هسته اصلی پشتیبانی‌کننده از علی بن محمد در مراحل

مختلف قیام حضور و نقش داشتند بسیاری از اقدامات و طرح‌های مربوط به پیشرفت روند قیام نیز توسط همین هسته برنامه‌ریزی می‌شد. این گروه بیشترشان بازرگان و به فعالیت‌های مرتبط با بازرگانی اشتغال داشتند (طبری، ۱۳۸۷: ج ۹ / ۴۱۱). از این زمان به بعد این گروه در مراحل و مقاطع مختلف به همراه علی بن محمد نقش مهمی در پیشبرد برنامه و روند قیام داشتند. علی بن محمد به هر نقطه‌ای که در رفت و آمد بود این گروه وی را همراهی می‌کردند (ابن‌اثیر، ۱۳۸۵: ج ۷ / ۲۰۶-۲۰۷) و تا پایان قیام نیز از اعضای اصلی و رهبران حرکت باقی ماندند.

علاوه بر هسته اصلی رهبری‌کننده، گروه‌ها و شمار قابل توجهی از ساکنین سواحل، که عمدتاً به فعالیت‌های دریانودی مشغول بودند، از حرکت هواداری کرده و بدنه‌ی آنرا تشکیل دادند. نقش هسته بحرینی در کشاندن گروه‌های مردمی ساکن در آن سرزمین به قیام، اساسی بود. سایر نیازمندی‌های حرکت شروع شده نیز توسط همین گروه‌ها تامین گردید. علی بن محمد هنگام ورود به بحرین هیچ‌گونه امکانات و دارائی در اختیار نداشت (ابن طقطقی، ۱۳۵۰: ۳۴۴) در منطقه ساحلی هجر و احساء و در میان فعالین تجاری آنجا مورد حمایت مالی قرار گرفته و نیازهای وی فراهم گردید (طبری، ۱۳۸۷: ج ۹ / ۴۱۰-۴۱۱). علی بن محمد در میان ساحل‌نشینان بحرین - که عمدتاً به تجارت و دریانوردی و فعالیت‌های مرتبط با آن مشغول بودند- هواداران زیادی پیدا کرد به گونه‌ای که "حکمش میان آنها نافذ بود به سبب وی با کسان سلطان نبرد کردند و در این نبردها بسیاری از آنها کشته شده بودند" (همان، ۹: ۴۱۰) حمایت و هواداری مردم بحرین از علی بن محمد به اندازه‌ای بود که برای وی خراج می‌گرفتند (ابن‌اثیر، ۱۳۸۵: ج ۷ / ۲۰۶. طبری، ۱۳۸۷: ج ۹ / ۴۱۰). درحالی که در میان صحرانشینان چندان مورد حمایت واقع نشد و حتی بعد از مدتی از گرد وی پراکنده شده و با او نیز وارد جنگ شدند (همان: ج ۹ / ۴۱۰-۴۱۱).

در رابطه با مورد دوم؛ یعنی پیرامون پیشینه‌ی شخصیتی علی بن محمد، اطلاعات اندکی از سوابق سوابق سیاسی و نظامی وی وجود دارد (Waines, 1977: 301). آنچه از او موجود است؛ یکی آنکه وجود روحیه انقلابی و شورشی در شخص علی بن محمد را نشان نمی‌دهد. در منابع تاریخی آمده است علی بن محمد در سامرا با نزدیکان خلیفه منتصر ارتباط و دوستی داشته (ابن‌اثیر، ۱۳۸۵: ج ۷ / ۲۰۶) در عالم شعر و شاعری به سر برده و به شعر گفتن و مدیح‌سرایایی مشغول بوده است (طبری، ۱۳۸۷: ج ۹ / ۴۱۰). وی در فضایی به سر می‌برد که با دنیای "جنگ و سیاست" چندان نسبتی نداشت. دیگری آنکه علی بن محمد به لحاظ اقتصادی نیز در شرایط سخت مالی قرار داشت تنها دارائیش مقدار پولی که در ازاء سرودن شعر و مدح بزرگان دستگاه و دربار منتصر دریافت می‌کرد و به تاکید طبری از

این طریق روزگار می‌گذرانید (همان). ابن‌اثیر نیز در همین رابطه آورده است که تعدادی از یاران منتصر خلیفه، که علی بن محمد آنها را مدح می‌کرد متکفل معاش او بودند (ابن‌اثیر، ۱۳۷۱: ج ۱۸ / ۶۹). لذا از امکانات و تمکن مالی و اقتصادی لازم که بتواند به پشتوانه آن حرکتی را شروع کند برخوردار نبود. علاوه بر این به لحاظ فکری و عقیدتی نیز حامل و صاحب اندیشه و عقیده خاصی نبود تا بر مبنای آن و به پشتوانه نیروها و هوادارانش حرکتی را شروع نماید. همچنین هیچ‌گونه گزارشی از حضور و نقش وی در قیام‌های مختلفی که علیه دستگاه خلافت صورت گرفته بود بیان نشده است. همه این موارد پیرامون علی بن محمد در حالی است که چنانچه کوچکترین موردی از عملکرد اعتراضی سیاسی و نظامی و یا عقاید ویژه‌ای از وی وجود می‌داشت با توجه به اهمیت و تأثیر فراوان قیام زنگیان و نگرش منفی که متون تاریخی به رهبر آن داشتند، قطعاً منابع آن را منعکس و حتی برجسته می‌ساختند، لذا پیشینه شخصیتی و مجموع اقداماتی که از علی بن محمد ذکر شده است هم به لحاظ فکری و هم عملی، گرایش و زمینه‌ای از قیام؛ روحیه و مشی نظامی‌گری و سیاسی‌کاری - در حد و اندازه برپایی قیام - را نشان نمی‌دهد. بر این اساس در روند شکل‌گیری و پیشرفت این حرکت پیش از آنکه بخواهیم آن را در قالب اقدامات "شخص" علی بن محمد در نظر بگیریم باید "گروه و جریانی" را در نظر داشت که با توجه به شرایط پدید آمده در بصره و بغداد، - رکود تجارت دریایی خلیج فارس - طرح، امکانات و زمینه‌های این حرکت را فراهم آورده و به‌صورت آشکار و پنهان در شکل‌گیری و تداوم آن نقش اساسی داشتند.

نظر به پیشرفت کار علی بن محمد در بحرین و پیوند بسیار نزدیکی که با ساحل‌نشینان و بازرگانان آنجا برقرار نمود، همچنین حمایت و هواداری کامل و پیوسته‌ای که از طرف تجار به عمل آمد این مسئله را به این شکل نیز می‌توان مطرح نمود که تجار و بازرگانان بحرین که از وضعیت آشفته‌ی سیاسی-نظامی خلافت و اختلال جریان بازرگانی دریایی خلیج فارس متضرر شده بودند انگیزه لازم جهت جهت انجام اقدام برای بهبودی اوضاع اقتصادی و رونق مجدد فضای کسب و کار را داشتند. با عنایت به این موضوع که حیات تجاری و اقتصادی بحرین به جریان فعالیت‌های بازرگانی خلیج فارس و بصره متصل بوده (al-Naboodah. 84) اختلال به وجود آمده در اوضاع خلافت و بغداد، رکود فعالیت‌ها در بصره و بحرین را نیز به دنبال داشته بود. بازرگانان بحرینی از اصلی‌ترین گروه‌هایی بودند که از شرایط ناآرام و به‌هم‌ریخته بغداد و جنوب عراق متضرر شده بودند، آنان نیز بخشی از فعالین حوزه بازرگانی دریایی محسوب می‌شدند که تداوم سود و منافع تجاری‌شان به ثبات و رونق حوزه دریایی، ساحلی و پسرانه‌ای اقتصاد دریایی خلیج فارس مربوط می‌شد. خصوصاً پیوند تجاری بحرین با بصره که

به هر اندازه بصره رونق می‌گرفت و تردها به آنجا بیشتر می‌شد تجار و ساکنین بحرین نیز از این جهت سود می‌بردند. علاوه بر این، با توجه به اینکه بحرین نقش ایستگاهی و توقفگاهی تجاری کشتی‌های بازرگانی داشت رکود فعالیت‌های بازرگانی و کاهش یافتن تردد کشتی‌های تجاری باعث شده بود تا بازرگانان آنجا نیز از این طریق ضربه خورند. لذا تجار فعال در این محدوده بازرگانی و ساکنین بحرینی انگیزه‌ی لازم جهت دست زدن به انجام چنین کاری را داشتند. علی بن محمد نیز سعی داشت از این وضعیت نابسامان سود ببرد. پیوند این دو با یکدیگر اساس یک حرکت را پدید آورد. وجه مشترک میان آنان را می‌توان اقدام علیه خلافت برای بهبودی اوضاع دانست. علی بن محمد مدتی مدتی را در سامرا بود و از نزدیک با اوضاع آشفتگی سیاسی آنجا آشنایی داشت، بازرگانان نیز عملاً تأثیر این تنش‌ها را در فعالیت‌های تجاری خود حس می‌کردند. لذا صحیح‌تر به نظر می‌آید این مسئله را این‌گونه مطرح سازیم "تجار و بازرگانان از اساس تصمیم به حرکت داشته، زمینه‌های آن نیز فراهم بود با ملحق شدن علی بن محمد، آخرین حلقه آن تکمیل شده وی را به رهبری انتخاب و حرکت‌شان را شروع کردند،" بنابراین از ابتدا به ساکن انگیزه‌های تجاری و عناصر بازرگانی فعال در حوزه بحرین و بصره در شکل‌گیری قیام بسیار مؤثر و تعیین‌کننده بوده است.

در توضیح بیشتر باید گفت علی بن محمد در منطقه‌ای که بازرگانان از اصلی‌ترین و مهم‌ترین عناصر فعال در آن حوزه بودند (84-82-81: al-Naboodah. 1991) قدرت گرفته، نیرو و امکانات به دست آورد و مورد حمایت کامل واقع شده بود. لذا همراهی تجار بحرین شرط اصلی در پیشبرد و پیشرفت کار وی محسوب می‌شد. در این منطقه تنها با حمایت و هواداری آنان شکل‌گیری چنین حرکتی مقدور بوده است و نمی‌توان فرض نمود در منطقه‌ای که بازرگانان عنصر اصلی و برجسته هستند بدون همراهی آنان حرکت گسترده‌ای صورت بگیرد. به هر روی، در رابطه با این قیام همراهی و هماهنگی تجار بحرین با علی بن محمد کاملاً مشهود بود؛ چه بصورت آنکه خود این حرکت را از اساس به وجود آوردند و علی بن محمد را به رهبری انتخاب کردند، یا اینکه علی بن محمد قصد حرکت داشته و بازرگانانی نیز انگیزه کافی برای حمایت از او را داشتند فرض هر دو مورد همراهی و پشتیبانی تجار را نشان می‌دهد.

۲) مرحله بعدی حضور رهبر و هسته اصلی قیام در بصره بود این موضوع نیز یکی دیگر از مواردی که ارتباط این قیام با زمینه‌های اقتصاد دریایی خلیج فارس و پیوند با بازرگانان را نشان می‌دهد. توضیح این مرحله نقش بازرگانان را روشن‌تر می‌سازد. علی بن محمد از سال ۲۴۹ تا ۲۵۴ هجری در بحرین سازمان و هسته قیام را به مقدار قابل توجهی شکل دادند و به همراه دیگر نیروها و سران قیام در سال

۲۵۴ هجری عازم بصره شدند. در رابطه با علت رفتن به سمت بصره براساس مطالبی که در متون تاریخی وجود دارد سه بحث قابل طرح است؛ یکی آنکه به صورت "اتفاقی و تصادفی" صورت گرفته باشد، دوم آنکه "مجبور به رفتن به بصره" شدند، و مورد سوم این که "طبق برنامه‌ی از پیش مشخص شده" صورت گرفته بود؟ در متون تاریخی علت واقعی عزیمت از بحرین به بصره بیان نشده است، براساس آنچه در برخی متون مبنی بر اتفاقی بودن و یا مجبور شدن آمده (طبری، ۱۳۸۷: ج ۹/ ۴۱۱. ابن مسکویه، ۱۳۷۹: ج ۴/ ۳۹۷-۳۹۸)، بسیار دشوار است که بخواهیم آن را به عنوان دلیل اصلی بپذیریم. علی بن محمد در بحرین و به خصوص در میان ساحل‌نشینان موقعیت مناسبی داشت، در مدت ۶ سال حضور در آنجا هواداران زیادی پیدا کرده و از امکانات خوبی برخوردار بود دلیلی برای خروج از بحرین نداشت.

با مطالعه و بررسی دقیق مراحل شکل‌گیری قیام مشخص می‌سازد که "رفتن به سوی بصره در ادامه‌ی حرکت شروع شده و آگاهانه" بوده است، زیرا بحرین به لحاظ جایگاهی که در روند بازرگانی دریایی خلیج فارس داشت به هر اندازه هم که نیروهای قیام در آن فعالیت و حضور می‌داشتند و از موضع بحرین اقدام می‌کردند در حد تکاپوهای پراکنده‌ای بود که نتیجه عملی و تأثیر چندانی در تغییر وضعیت موجود و بهبود فعالیت‌های تجاری خلیج فارس به دنبال نداشت. از این رو لازم بود در منطقه‌ای مستقر شده و فعالیت نمایند که اثربخشی و کارایی بیشتری داشته باشد. بر همین اساس به بصره نظر داشتند زیرا از موقعیت بسیار مطلوبی برخوردار بود و فعالیت در آنجا باعث پیشبرد اهداف قیام می‌گردید. موضوع دیگری که باید به آن توجه داشت اینکه در تصمیم رفتن به بصره، بازرگانان سهم اصلی را بر عهده داشتند، زیرا بصره بیش از هر نقطه دیگر برای بازرگانان مفید بود و هدفشان را جلو می‌برد در حالی که چنانچه اهداف مطلق سیاسی برای این قیام در نظر گرفته و آن را قدرت‌طلبی و ماجراجویی محض سیاسی علی بن محمد تلقی نماییم رفتن به سمت بصره مضر و خطرناک بود و نمی‌توان حضور در بصره را عامل پیشرفت آن دانست. بصره به لحاظ سیاسی و اقتصادی ویژگی‌هایی داشت که مرتبط با منافع بازرگانان بود. همانگونه که در مبحث پیشین اشاره داشتیم شهری بازرگانی (مقدسی، همان: ج ۱/ ۴۷، دینوری، ۱۳۸۳: ۱۴۹)، و در قرن سوم مهم‌ترین بندرگاه تجاری خلیج فارس بود. این بندر، درگاه ورودی خلیج فارس بوده که علاوه بر اهمیت منابع اقتصادی آنجا، نقش ارتباطی میان شرق و غرب را ایفا می‌کرد (طبری، ۱۳۷۵: ج ۵/ ۱۷۶۸-۱۷۷۰-۱۷۶۷). حیات و اقتصاد بغداد به مقدار قابل توجهی وابسته به جریان فعالیت‌های اقتصادی بصره بود (بلیایف، ۱۳۴۸: ۷۲-۷۳). در آنجا تجار و بازرگانان حوزه خلیج فارس بسیار فعال بودند و بصره در آن زمان کارکردی بازرگانی و تجاری داشت.

با وجود قابلیت‌های بالای اقتصادی و تجاری بصره، به لحاظ سیاسی وضعیت با ثباتی نداشت. سیاست‌ها و اقدامات خلافت و حاکم آنجا در عدم حمایت مؤثر از جریان فعالیتهای تجاری به خصوص در تشدید سیاست‌های مالیاتی، منازعات گروه‌های سیاسی و فرق مذهبی و تنش‌های قبیله‌ای (طبری، ۱۳۷۵: ج ۱۴ / ۶۲۸۵) و مهمتر از همه تنش‌های گسترده و متداوم در مقرر خلافت، باعث ناآرامی اوضاع آنجا گردیده بود. در چنین شرایط متشنج سیاسی، تجارت بصره به شدت دچار رکود شده، سود و منافع فراوان تجاری که در دهه‌ها و سده قبلی به جهت رونق فعالیت‌های تجاری عاید بازرگانان شده بود بسیار کاهش یافته بود. بازرگانان مترصد خروج بصره از این وضعیت، ثبات بخشی به اوضاع آنجا و تسلط بیشتر بر منابع اقتصادی بصره و کسب منافع و سود بیشتر بودند. عزیمت علی بن محمد به سمت بصره در این چارچوب صورت گرفت. لذا برآورد این اقدام از منظر اقتصادی و بازرگانی قابل قبول تر به نظر می‌آید تا اینکه آن را در راستای اهداف سیاسی علی بن محمد در شورش علیه خلافت ارزیابی نماییم زیرا همانگونه که بیان گردید بصره برای شخصی که قصد انجام اقدام سیاسی علیه خلافت داشته نمی‌توانست نقطه مطلوبی باشد. بصره به مرکز خلافت بسیار نزدیک بوده، دستگاه خلافت نیز بر روی آن حساسیت داشت و در صورت هرگونه طغیان در آنجا، امکان گسیل داشتن نیرو توسط خلافت، مقابله و سرکوب حرکت کار دشواری نبود. این شهر به لحاظ مذهبی نیز یکپارچگی و انسجام لازم را نداشت تا علی بن محمد با پیوند و پشتوانه‌ی عقیدتی اهالی آنجا حرکتی را در بصره شروع نماید. لذا علی بن محمد که از او با عنوان شخصی زیرک، فهیم و کارگشته یاد شده (مرعشی، ۱۳۴۵: ۱۳۵) بعید به نظر می‌آید که تصمیم داشته در نقطه‌ای که در خوشبینانه‌ترین حالت نیز امکان پیشرفتش دشوار بوده قیامی سیاسی، نظامی و یا عقیدتی انجام دهد. "حضور یافتن در بصره" برای تداوم حرکت تنها از جنبه تجاری و بازرگانی توجیه داشته و لازم بود که این کار جهت پیشبرد قیام صورت بگیرد. از آن زمان به بعد رهبران قیام در راستای اهدافی که داشتند تمامی برنامه‌های بعدی‌شان حول محور بصره جریان پیدا کرده بود.

۳) مورد سوم که نقش تجار در جریان قیام زنگیان را نشان می‌دهد مربوط به پیوند دادن بردگان به قیام بوده است. بردگان ۶ سال بعد از شروع حرکت در بحرین در سال ۲۵۵ ه در اطراف بصره به قیام پیوستند (مقدسی، همان: ج ۲ / ۹۸۰). (۴) در بیشتر تحقیقات جدید "کیفیت فرآیند الحاق بردگان به قیام" مورد توجه کامل قرار نگرفته است. با بررسی این مرحله مشخص می‌شود که بازرگانان در ملحق ساختن بردگان به قیام و استفاده از نیروی آنان نقش داشته و از عوامل اساسی در به خدمت گرفتن بردگان بودند. رهبران قیام در جریان پیشبرد مراحل حرکت متوجه این مسئله شده بودند که برای

پیشبرد کار به نیروهای انسانی و عملیاتی کافی نیاز دارند تا در مواقع ضرور از آنان استفاده ببرند. بهترین نیرویی که در آن زمان می‌توانست به پیشبرد قیام کمک کند بردگان بودند به جهت آنکه در منطقه مورد نظر از توان بالا و شمار فراوانی برخوردار بودند به همین خاطر متوجه بردگان ساکن بطایح در جنوب عراق و به خصوص در نواحی اطراف بصره شدند (بلاذری، ۱۳۴۶: ۹۹-۱۰۰) و موفق گردیدند این گروه‌های پرشمار و نیرومند را با وعده و وعید گرد آورند (ابن مسکویه، ۱۳۶۹: ۲۶۹/۶. ابن طقطقی، ۱۳۶۰: ۱۴۷. ابن خلدون، ۱۴۰۸، ۳/ ۳۷۷-۳۷۸).

نقش و تأثیر بازرگانان در ملحق ساختن بردگان به قیام به ارتباط این دو گروه با یکدیگر و نفوذ بازرگانان بر بردگان مربوط می‌شود. بدین گونه که بیشتر بردگانی که در نواحی جنوب عراق؛ حوالی بصره و واسط کار می‌کردند توسط تجار فعال در حوزه‌ی خلیج فارس (یعقوبی، ۱۳۵۶: ۱۳۹. ابن خلدون، ۱۳۶۳: ۲۰۷-۲۰۸) از منطقه شرق آفریقا و نواحی زنگبار به سرزمین‌های اسلامی منتقل شده و از این طریق از مدتها قبل با گروه‌های تجار و بازرگان در ارتباط بودند. همچنین شمار فراوانی از این افراد در کشتی‌ها و لنج‌های بازرگانان به عنوان "جاشو" به کار تخلیه و بارگیری می‌پرداختند. بخش دیگری از بردگان نیز در زمین‌های کشاورزی و زراعتی در این ناحیه مشغول فعالیت بودند (ابن‌رسته، همان: ۱۰۷) و شمار دیگری از آنان نیز به شیرین کردن اراضی و تهیه شوره و نمک اشتغال داشتند که در نهایت محصولاتشان را برای انتقال به سایر نقاط به تجار می‌دادند. مجموع این موارد باعث شده بود تا میان بازرگانان و بردگان روابطی پدید آید که در جریان حرکت، زمانی که به نیروی آنان نیاز شد تجار در راستای اهدافشان بردگان را بکار گرفتند و عامل نزدیک ساختن و پیوند بردگان با قیام گردیدند. طبری آورده است علی بن محمد در هنگام سکونت در نهر نخل از طریق تعدادی از همراهانش-که عمدتاً به کارهای تجاری اشتغال داشتند- با بردگان ارتباط برقرار کرده بود (طبری، ۱۳۷۵: ج ۱۴ / ۶۳۱۱). علی بن محمد در اوایل ارتباط با غلامان زنگی خود را تاجری معرفی کرده بود که در کار خرید و فروش نمک است (همانجا). لذا منطقه‌ی جنوب عراق، بصره و نواحی اطراف آن به جهت فعالیت‌های اقتصادی که در آن جریان داشت تجار، بازرگان، بردگان و دیگر گروه‌های با هم در ارتباط و فعالیت بودند به جهت همین ارتباط و آشنایی، از تاثیرگذاری و به عبارتی بهتر، از نفوذ بالایی در میان بردگان و نیروهای کارگر برخوردار بودند. آنان بیشتر از هر نیروی دیگری امکان به خدمت گرفتن بردگان و سمت و سو بخشیدن به آنان را داشتند. بر این اساس بود که گروه بازرگان همراه علی بن محمد موفق شدند به تدریج بخش‌های زیادی از بردگان را به جریان قیام نزدیک سازند.



۴) مورد دیگری که از طریق آن می‌توان به جنبه‌های تجاری قیام پی برد آیه قرآنی- ۱۱۱ سوره توبه- که به عنوان شعار قیام برگزیده شده بود. بر اساس آنچه از محتوا و تفسیر آیه مزبور در تفاسیر قرآنی آمده درون مایه‌های بازرگانی دارد. در تفسیر نور ذیل این آیه ذکر شده که "دنیای بازار است و مردم در آن معامله‌گر. فروشنده مردم است و خریدار خداوند. متاع معامله جان و مال است و بهای معامله بهشت. اگر به خداوند بفروشند سراسر سود و اگر به دیگری بفروشند یکسره خسارت است (قرآنی، ۱۳۸۶: ج ۵ / ۱۴۸). در این آیه در قالب مفاهیم تجاری رابطه بنده با خداوند را تشریح کرده است. در تفسیر نمونه نیز مفسر در ذیل تفسیر این آیه آن را تحت عنوان "یک تجارت بی‌نظیر" ذکر کرده است (مکارم، ج ۸: ۱۸۹). مفسر در ادامه بیان داشته که در هر معامله پنج رکن اساسی وجود دارد؛ خریدار، فروشنده، متاع، قیمت و سند معامله. که خداوند در این آیه به تمامی ارکان تجارت اشاره داشته است سپس با عباراتی تجاری آن ۵ پنج مورد را توضیح داده است (همان).

در تفسیر المیزان، علامه نیز به مفهوم تجاری آیه اشاره دارد. موضوع دینی و اعتقادی که خداوند آن را با مثال تجاری توضیح می‌دهد (طباطبایی، ج ۹ / ۵۳۸ - ۵۳۹). در این آیه کلمه "اِشْتَرَاءٌ" به معنی قبول جنسی که در خرید و فروش در برابر پرداخت قیمت به انسان منتقل می‌شود (همان، ۵۳۸). به گفته علامه در این آیه خداوند در قالب تمثیل با ذکر ارکان دادوستد تجاری، خداوند خود را خریدار، مومنین را فروشنده، جان و مالشان کالای مورد معامله، بهشت را قیمت و بهای آن و قرآن را نیز سند آن خوانده است (همان، ۵۳۹). به هرجهت در سیر تاریخی قیام زنگیان از سال ۲۴۹ تا ۲۷۰ هجری موارد زیادی وجود دارد که نشان‌دهنده جنبه‌های تجاری قیام و نقش بازرگانان در آن است که در این مقاله تنها به برخی از این موارد در مرحله آغازین قیام اشاره داشتیم.

### نتیجه

رشد و توسعه اقتصاد دریایی خلیج فارس - در قرن‌های دوم و سوم- باعث شده بود تا نواحی کرانه‌ای و پسرانه‌ای آن دریا به اقتضای شرایط به وجود آمده به لحاظ اقتصادی و معیشتی در پیوند با یکدیگر قرار گیرند. ارتباط و وابستگی میان این مناطق به اندازه‌ای بود که هرگونه تحول مثبت و یا منفی بر اوضاع دیگری نیز تأثیر مطلوب یا نامطلوب می‌گذاشت. بر همین اساس بصره به عنوان بندر تجاری و بغداد شهر پسرانه‌ای برحسب نیازشان به یکدیگر ارتباط تنگاتنگی با هم داشتند. تا زمانی که این دو شهر در ثبات و آرامش بسر می‌بردند رونق فراوانی پیدا کردند با آشفته‌گی‌های سیاسی و

ناآرامی‌های گسترده و متداوم نظامی که از آغاز قرن سوم تا نیمه‌های آن در بغداد و سامرا به وقوع پیوست ضمن آنکه باعث ناآرامی اوضاع سیاسی بصره شد جریان فعالیت‌های تجاری در آن حوزه را مختل کرده آسیب‌ها و زیانهای فراوانی بر جریان تجارت دریایی خلیج فارس وارد آورد. واکنش فعالین تجاری این حوزه به تحولات زیانبار سیاسی و نظامی مرکز خلافت در قالب قیام زنگیان نمود پیدا کرد. لذا پیدایش قیام مرتبط با زمینه‌های اقتصاد دریایی خلیج فارس بوده در جریان شروع آن نیز فعالین این حوزه نقش داشتند و به طرق مختلف تلاش کردند اسباب برپایی آن را فراهم آورند. با بررسی سیر تاریخی قیام موارد متعددی وجود دارد که نقش بازرگانان و انگیزه‌های تجاری قیام را نشان می‌دهد. در این مقاله تنها به برخی از قرائنی که تا زمان اعلان رسمی قیام در سال ۲۵۵ هجری نقش و عملکرد بازرگانان و اقداماتی که جنبه‌های تجاری قیام را- به صورت مستقیم یا غیرمستقیم- نشان می‌دهد اشاره اشاره گردید.

### پی‌نوشت‌ها

۱. افزایش جمعیت و رشد مصرف، رشد تولید، نیازهای متنوع؛ کالاهای زینتی و تجملاتی و ضرورت تامین آن، بالا رفتن سطح زندگی مردم و وجود امنیت کافی از جمله عواملی که در توسعه یافتن فعالیت‌های بازرگانی مؤثر واقع شدند (مکی، ۱۳۸۳: ۲۸۲-۲۸۴). بغداد بعد از تأسیس به جهت موقعیت ویژه و جمعیت فراوانش بازرگانان زیادی به آنجا رو آورده بودند (Kennedy, 2004: 14).

۲. در رابطه با موقعیت بغداد و برتری‌های اقتصادی آن منصور عباسی اشاره داشته است که بغداد جزیره‌ای است میان دجله و فرات و سر حد خشکی است برای جهان، هر که از واسط، بصره، اهواز، فارس، عمان، یمامه و بحرین بر دجله بیاید می‌تواند تا بغداد پیش برود همچنین هر چه از موصل، آذربایجان، ارمنستان و... با قایق بر دجله برده شود و هر که از دیار مضر، رقه، سوریه و... بر فرات برده شود می‌توان به بغداد برود و در آنجا بار خالی کند (طبری، ۱۳۷۵: ج ۴۸۷۰/۱۱. ابن طلققی، ۱۳۶۰: ۲۱۹) فرات با چند کانال به دجله وصل می‌شد یکی از آنها نهر عیسی که پایانش در بغداد بود بغداد در مرکز جلگه‌های بارور بین‌النهرین که جمعیت بیشتری به آن وارد شده بود و آبیاری آن منظم‌تر و بهتر شده بود (. یعقوبی، ۱۳۷۱: ج ۲/ ۳۶۵) به گفته طبری "این است دجله؛ میان ما چین مانعی نیست و هر چه که بر روی دریاست می‌توان بر رویان به نزد ما بیاید (طبری، همان: ج ۴۸۶۷/۱۱).

۳. در قرن اول ارتباط میان واسط و بصره با کشتی از طریق نهرها و رودها انجام می‌پذیرفت (ابن خلدون، ۱۳۶۳: ج ۲/ ۱۲۴). در دوران مامون به کالاهای تجاری اشاره شده که از بصره به بغداد حمل می‌شد (مسعودی، ۱۳۷۴: ج ۲/ ۴۰۷-۴۰۸) همچنین مسافرانی که با کشتی از بغداد به بصره تردد می‌کردند (یعقوبی، ۱۳۵۶: ج ۲/

۴۱۳). در بیان ارتباط و نیازی که بصره و بغداد به یکدیگر داشتند مسعودی ذکر کرده است که در درگیری میان مامون و برادرش محمد، سردار سپاه مامون، طاهر با قطع ارتباط مسیر بصره با بغداد، از این طریق راه لوازم و آذوقه را که از بصره می‌آمد بر بغدادیان بست آنان نیز به سختی افتادند (مسعودی، ۱۳۴۷: ج ۲/ ۴۰۷-۴۰۸). در دوران معتصم عباسی نیز به کالاهایی اشاره شده که با کشتی از بصره به بغداد حمل می‌شدند (بلاذری، ۱۳۴۶: ۵۲۴). منابع مختلف به تردد کشتی‌ها میان بصره و بغداد و شهرهای میانی آنان اشاره داشته‌اند که به فعالیت‌های بازرگانی و تجاری مشغول بودند (ابن‌خلدون، ۱۳۶۳: ج ۲/ ۱۰۸. مسعودی، ۱۳۷۴: ج ۲/ ۶۳۴-۶۳۳ و ۴۰۳). همچنین کشتی‌های تجاری که در زمان هارون الرشید از بغداد از طریق رود فرات عازم رقه و دیگر شهرهای شمالی و غربی بغداد می‌شدند (Heidemann, 2006: 37).

۴. یکی از نقدهای اساسی به نظریه بردگی دانستن قیام زنگیان همین مورد است که بردگان ۶ سال بعد از شروع حرکت به آن پیوستند و اینکه از ابتدا به ساکن و در قالب حرکتی خودجوش این قیام را پدید آورده باشند چنین مسئله‌ای وجود نداشت. مهم‌تر از آن نحوه ملحق ساختن بردگان سواحل دجله به قیام است که مشخص می‌سازد این حرکت نهضت بردگی نبوده است. پرداختن به این موضوع بسیار مفصل است که در این مقاله فرصت پرداختن به آن نیست.

## منابع

- ابن خردادبه (۱۳۷۰)، المسالک و الممالک، ترجمه حسین قره‌چانلو، تصحیح شده دخویه، تهران؛ چاپخانه مهارت.
- ابن‌رسته (۱۳۶۵)، الاعلاق النفیسه، ترجمه حسین قره‌چانلو، تهران: امیرکبیر.
- ابن طقطقی محمدبن‌علی (۱۳۶۰)، تاریخ فخری، ترجمه محمد وحیدگلپایگانی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- ابن‌اثیر، عزالدین‌علی (۱۳۷۱)، الکامل تاریخ بزرگ اسلام و ایران، ترجمه ابوالقاسم حالت و عباس خلیلی، تهران؛ مؤسسه مطبوعاتی علمی.
- ابن‌اثیر، عزالدین‌علی (۱۳۸۵ ق / ۱۹۶۵ م)، الکامل فی التاریخ، ۱۳ جلد، بیروت؛ دارالصادر.
- ابن‌خلدون، عبدالرحمن (۱۳۶۳)، تاریخ ابن‌خلدون، ترجمه عبدالمحمد آیتی، موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، چاپ اول، تهران.
- ابن‌خلدون، عبدالرحمن (۱۴۰۸ ق)، تاریخ ابن‌خلدون، تحقیق خلیل شحاده، بیروت؛ دارالفکر.
- احمدعلی صالح (۲۰۰۵ م)، علی بن محمد صاحب الزنج و دولته المهزوزه، بنغازی - ليبيا؛ دارالکتب الوطنیه.
- ابن‌کثیر ابوالفداء ابن‌کثیر (۱۴۰۷ ق)، البدایه و النهایه، بیروت، دارالفکر.
- ابن مسکویه احمد بن علی (۱۳۷۹)، تجارب الامم، محقق و مصحح: ابو القاسم امامی، ج دوم، تهران؛ سروش.
- انصاری‌دمشقی، شمس‌الدین محمد (۱۳۸۲)، نخبة‌الدهر فی عجائب البر و البحر، تهران؛ اساطیر.
- بلاذری، احمدبن یحیی (۱۳۴۶)، فتوح البلدان، ترجمه آذرتاش آذرنوش، تهران؛ بنیاد فرهنگ ایران.
- بلیایف آ.ا. (۱۳۴۸)، اوضاع اقتصادی قلمرو خلافت عباسی، مترجم رضا عنایت‌الله، مجله معارف اسلامی، تهران؛ ۱۳۴۸، شماره ۱۰.
- حموی‌بغدادی، یاقوت (۱۳۸۰)، معجم البلدان، ۲ جلد، تهران؛ پژوهشگاه سازمان میراث فرهنگی کشور.
- دینوری، ابوحنیفه (۱۳۸۳)، اخبار الطوال، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، تهران، نشر نی.
- دوری عبدالعزیز (۱۳۷۵)، بغداد، ترجمه اسماعیل دولتشاهی و ایرج پروشانی، چاپ نخست، تهران؛ بنیاد دایره‌المعارف اسلامی.
- سیرافی، سلیمان (۱۳۸۱)، سلسله‌التواریخ یا اخبارالصین والهند، تهران؛ اساطیر.
- سوردل دومینیک (۱۳۷۵)، چند مقاله در تاریخ و جغرافیای تاریخی بغداد (بغداد پایتخت عباسیان)، ترجمه اسماعیل دولتشاهی و ایرج پروشانی، چاپ نخست، تهران؛ بنیاد دایره‌المعارف اسلامی.
- طباطبایی سیدمحمدحسین (بی‌تا)، تفسیر المیزان، مترجم سید محمدباقر موسوی همدانی، جلد ۹، تهران؛ دفتر انتشارات اسلامی قم.

- طبری، محمد بن جریر (۱۳۷۵)، تاریخ طبری، ترجمه ابوالقاسم پاینده، چاپ پنجم، اساطیر، تهران.
- طبری، محمد بن جریر (۱۳۸۷ ق)، تاریخ الامم و الملوک (تاریخ الطبری)، محقق و مصحح: محمد ابو الفضل ابراهیم، چ دوم، ۱۱ جلد، بیروت؛ روائع التراث العربی.
- علی، احمد (۱۳۵۹)، قیام زنگیان، ترجمه کریم زمانی، تهران؛ موسسه رسا.
- قرائتی محسن (۱۳۸۶)، تفسیر نور، ج ۵، تهران؛ مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
- لسترنج گای (۱۳۹۰)، جغرافیای تاریخی سرزمین‌های خلافت شرقی، ترجمه محمود عرفان، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- لاپیدوس ایرا ام (۱۳۷۶)، تاریخ جوامع اسلامی، ترجمه محمود رمضانزاده، مشهد؛ بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس.
- میکل آندره (۱۳۸۱)، اسلام و تمدن اسلامی، با همکاری هانری لوران، ترجمه حسن فروغی، تهران؛ سمت.
- مسعودی، ابوالحسن علی بن حسین (۱۳۷۴)، مروج الذهب و معادن الجواهر، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران؛ انتشارات علمی و فرهنگی.
- مسعودی، ابوالحسن علی بن حسین (۱۳۴۹)، التنبیه و الاشراف، ترجمه ابوالقاسم پاینده، چ ۲، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- مونتگمری وات (۱۳۶۱)، تأثیر اسلام در اروپا، ترجمه یعقوب آژند، تهران؛ انتشارات مولی.
- مقدسی، ابوعبدالله محمد بن احمد (۱۳۶۱)، احسن التقاسیم فی معرفه الاقالیم، تهران، شرکت مولفان و مترجمان.
- مرعشی، سید ظهیرالدین (۱۳۴۵)، تاریخ طبرستان و رویان و مازندران، محقق محمدحسین تسبیحی، موسسه مطبوعاتی شرق.
- مناظر احسن محمد (۱۳۸۳)، زندگی اجتماعی در حکومت عباسیان، ترجمه مسعود رجب‌نیا، تهران؛ انتشارات علمی و فرهنگی.
- مکی محمدکاظم، تمدن اسلامی در عصر عباسیان، ترجمه محمد سپهری، تهران؛ سمت، ۱۳۸۳.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۶)، تفسیر نمونه قرآن، ج ۸، قم؛ دارالکتب الاسلامیه.
- ناظمیان فرد، علی، حاتم الابراهیمی، یاسمین، کامیابی معتضد در مدیریت بحران مالی خلافت عباسی، مجله پژوهش‌های تاریخی ایران و اسلام، دوره ۹، شماره ۶ (بهار و تابستان ۱۳۹۴) - صص 143-154
- نخجوانی هندوشاه بن سنجر (۱۳۵۷)، تجارب السلف (در تواریخ خلفا و وزرای ایشان)، تهران؛ کتابخانه طهوری.
- یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب (۱۳۵۶)، البلدان، تهران؛ بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب (۱۳۷۱)، تاریخ یعقوبی، ترجمه محمد ابراهیم آیتی، انتشارات علمی و فرهنگی،

چاپ ۶.

AL-Naboodah.h. m. the commercial activity of Bahrain and oman in the early middle ages. Twentyfifth seminar for Arabian studies held at Cambridge on 23rd - 25th July 1991.

Audisio Gabriel, Harun Al- Rashid caliph of bagdad, printed in the united states of America, 1931.

David Waines, The Third Century Internal Crisis of the Abbasids, Journal of the Economic and Social History of the Orient, Oct., 1977.

Guy Le Strange, Baghdad during the Abbasid Caliphate from contemporary Arabic and Persian, oxford At the clarendon press , Aug 1900.

Goody Jack. Islam in Europe, Cambridge press: malden, MA: pistributed in the USA by Blackwell, pub: 2004.

Heidemann Stefan, The History of the Industrial and Commercial Area of 'Abbāsīd Al-Raqqā, Called Al-Raqqā Al-Muḥtariqa. University of London, 2006.

kennedy Hogh. THE PROPHET AND THE AGE OF THE CALIPHATES. Longman: 2004.

Kennedy Hugh, Crisis and Continuity at the Abbasid Court, Leiden - boston: 2013.

PHILBY.H. ST. J. B., C.I.E, Harun al Rashid, at the university, with a frontispiece. Firstpublished in june 1933.

Miles.S. B. Countries and tribes Of the Persian Gulf. Frank cass and Co. Ltd: 1966.

Morony Michael G, Continuity and Change in the Administrative Geography of Late Sasanian and Early Islamic al-'Irāq, 1982.

Naji and Y. N. Ali, A. J., The Suqs of Basrah: Commercial Organization and Activity in a Medieval Islamic City Author, Journal of the Economic and Social History of the Orient, Vol. 24, No. 3 (Oct., 1981).